روزنامه سیاسی،اقتصادی،فرهنگی،اجتماعی ، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول : مهدی رحمانیان
نشانی : تهران ، خیابان آفریقا ، بلوار گلشهر ، پلاک ۴۶
تحریریه:۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر : ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (خط ویژه)- نظارت بر توزیع : ۶۶۹۵۸۶۱۰
سازمان نیازمندی ها:۲۲۰۱۴۰۱۰ (خط ویژه)، امور مشترکین- تلفن : ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹
نمابر : ۶۶۴۰۴۱۶۵ ،امور فنی ، آتلیه و لیتوگرافی : روزنامه شرق
چاپ: ■ افست : کیلومتر ۴ جاده آبعلی ، روبه روی خیابان سازمان آب ، تلفن : ۷۷۳۳۹۰۹۳
■ طوطی : خیابان مصطفی خمینی ، بعد از چهارراه سرچشمه ، پلاک ۶۹۰ ، تلفن : ۳۳۹۲۱۴۴۱
■ گلریز : جاده قدیم کرج ، فتح ۱۷ ، پلاک ۲۹ ، تلفن : ۷-۶۶۸۲۲۳۴۶

روزنامه شرق

سال چهارم ■ شماره ۸۵۰ ■ دوشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۸۵ ■ ۱۰ شعبان ۱۴۲۷ ■ ۴ سپتامبر ۲۰۰۶

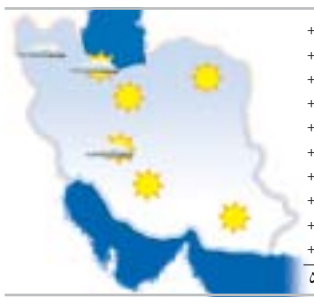

آبادان	+۳۲+۴۷	بیرجند	+۱۶+۳۰	سنندج	+۱۸+۳۴	همدان	+۱۲+۳۵
اراک	+۱۵+۳۱	تهران	+۲۲+۳۶	شهرکرد	+۱۸+۲۱	یاسوج	+۱۶+۳۱
اردبیل	+۱۵+۲۹	تبریز	+۲۲+۳۵	شیراز	+۱۸+۳۱	یزد	+۱۶+۳۱
ارومیه	+۱۸+۳۵	خرم‌آباد	+۲۰+۳۸	قزوین	+۱۱+۳۱	دبی	+۳۱+۴۰
اصفهان	+۱۴+۳۱	رشت	+۲۲+۳۱	کرمان	+۱۶+۲۸	نجف	+۲۹+۴۵
اهواز	+۲۸+۴۷	زاهدان	+۱۲+۳۱	کرمانشاه	+۱۹+۴۰	مکه	+۳۱+۴۳
ایلام	+۲۵+۲۹	زنجان	+۱۵+۳۲	کاشان	+۲۶+۲۷	مدینه	+۳۳+۳۹
بجنورد	+۱۱+۲۹	زابل	+۱۸+۳۵	کیش	+۳۱+۳۵	لندن	+۱۵+۱۸
بندرعباس	+۲۷+۳۵	ساری	+۲۵+۲۹	گرگان	+۲۱+۴۱	پاریس	+۱۵+۲۲
بوشهر	+۳۲+۳۵	سمنان	+۱۸+۳۱	مشهد	+۱۱+۲۷	استانبول	+۱۵+۲۱

تهران : اذان ظهر ۰۵ : ۱۲ اذان مغرب ۵۵ : ۱۸ اذان صبح فردا ۰۶ : ۴ طلوع آفتاب ۳۴ : ۵

راهنمای امروز

تلویزیون امروز

سریال روشنایی های شهر	دو	۹/۱۵
سریال گل پامچال	یک	۱۳/۲۰
سریال قصه های جزیره	دو	۱۴/۱۵
سریال ماموران مخفی پلیس	یک	۱۵/۱۰
سینمای صامت	چهار	۱۷
سریال نرگس	سه	۱۸
سینمای دیگر	دو	۲۱
آوای ایرانی	چهار	۲۱/۴۵
سریال کلانتر	یک	۲۲
سریال نرگس	سه	۲۲/۴۵
سریال شوگان	پنج	۲۳

جشنواره تئاتر عروسکی

مسخ
تالار اصلی تئاتر شهر- ۱۸/۳۰ و ۲۰/۳۰

گلی گلی جون
تالار چهارسو تئاتر شهر- ۱۷ و ۱۹/۳۰

مرگ مبارک
تالار قشقایی تئاتر شهر- ۱۶/۳۰ و ۱۸/۳۰

عنکبوت پروانه‌ای
تالار سایه تئاتر شهر- ۱۶ و ۱۹

مالیخولیای گذر زمان
تالار کوچک تئاتر شهر- ۱۸ و ۱۹/۳۰

انتظار در کافه پارک
تالار تئاتر شهر- ۱۸

هفتواد
تالار هنر- ۱۷ و ۱۹

لباس فرفری
کانون پرورش فکری- ۱۷ و ۱۷/۳۰

اپرای عروسکی رستم و سهراب
تالار فردوسی- ۲۰

مثل های عروسکی
تالار مولوی- ۱۸/۳۰

پهلوان کچل
فرهنگسرای اشراق- ۱۰

دیو و کچلک
فرهنگسرای ابن سینا- ۱۷

سینمای امروز

کافه ستاره (سامان مقدم)
آفریقا- آسیا- عصرجدید۲- پارس۱- آسمان آبی قیام- جوان۱- المپیا- فردوس- ایران۱- شاهد کانون قدس- ایران۱- ناهید- سپیده۱

به نام پدر (ابراهیم حاتمی کیا)
فرهنگ- قدس- ایران۳- بلوار- فلسطین۱- کارون گلریز- تهران۱- مرکزی- پایتخت- جی۱- حافظ دهکده- بهمن- ماندانا- ملت

باغ فردوس ساعت پنج بعدازظهر (سیامک شایقی)
فرهنگ۲- ایران۲- فلسطین۳ - شاهد شهرتماشا پارس

سرود تولد (علی قوی تن)
عصر جدید۱- جی۳- آستارا- پیروزی- صحرا اروپا- گلریز۱- جوان۲- پیوند- پیام انقلاب شیرین- مرکزی- شهرقشنگ

خبر آخر

ژانت میخاییلی تصویرگر کتاب کودک درگذشت

ژانت فقط یک تصویرگر نبود

یاد

مصطفی رحماندوست: بیست‌وپنج سال پیش ، سال ۱۳۶۰ ، در فرانسه بود که برای اولین بار «ژانت میخاییلی» را دیدم . در آن هنگام من مدیرمسئول و سردبیر نشریه های گوناگون رشد بودم و او بازمانده از مجله های پیک که من آمده بودم تا با تغییر نام دوباره منتشرشان کنم . خیلی زود فهمیدم که ژانت فقط یک تصویرگر نیست . شخصیتی دارد که همه چه قدیمی های قبل از انقلاب و چه جدیدی ها تحت تاثیرش قرار می گیرند و تصویرهایی می کشد که همه بچه های گوشه و کنار وطنم را تحت تاثیر قرار می دهد . او خودش بچه نداشت و بعد از آن هم نداشت . تا این هفت هشت سال پیش که مادرش فوت کرد ، بدجوری بچه مامانش بود و حالا که در سن هفتادسالگی پیکرش را در تابوت گذاشتیم ، حس کردم بچه به دنیا آمد ، بچگانه زیست و بچگانه نقاشی کرد ، بچگانه دیگران را تحت تاثیر قرار داد و مثل بچه‌ای معصوم رفت تا دوباره کنار مادرش بنشیند و قصه بگوید .

درباره جشنواره تئاتر عروسکی تهران- مبارک

یک جشنواره معتبر

نگاه

بهروز غریب پور: ممکن است در هر مورد دیگری ادعا کنیم که «ما هم چنین پدیده‌ای» داشته‌ایم . حتی در مواردی می توانیم ادعا کنیم و ادعا کرده‌ایم که مخترع و مبدع و آغازگر نوعی فعالیت پدیده‌ای هستیم و ما اولین ملتی هستیم که چنین و چنان کردیم . اما در مورد جشنواره که معادل فستیوال است ابراز چنین ادعایی نه تنها درست نیست بلکه مضحک نیز هست . چرا که فستیوال محصولی نادر و کم‌نظیر از فرهنگ یونانی است . فرهنگی که تئاتر را به مثابه مدرسه بزرگسالان می ستود و به هر شکل ممکن سعی داشت که آن را به عنوان عالی ترین شکل بیان حقایق ، باورها و هر آنچه که می تواند آنها را مخدوش سازد و پرورش دهد و ازاین رو هر رخداد تئاتری را به رخدادی برای نمایش تمام توش و توان اندیشمندان خود تبدیل کند و پدیده‌ای به وجود آورد که امروز در هر جای دنیا کمابیش تاثیری از همان باور را دارد . بنابراین فستیوال یا به تعبیر ما جشنواره نخستین فضل و خصلت ارزشمندش همین کنار هم گذاشتن اندیشه ها و باورها سطوح مختلف هنری است و جشنواره های تئاتری و تئاتر عروسکی ما نیز چنین است و از ابتدا تا به امروز کوشش برگزارکنندگان این جشنواره ها این بوده است که ماحصل چنین رخدادهایی باعث شود که سطح تولید ، ارائه و تاثیر نمایش اعم از صحنه‌ای و عروسکی افزایش و ارتقا یابد و همه باور کردند بدون چنین رخدادی هرگز امکان سنجیدن و برابر کردن و ارزیابی و یادگیری به وجود نخواهد آمد . . . جشنواره عروسکی تهران - مبارک در حالی برگزار می شود که ده دوره را پشت سر گذاشته و مرحله تکوین ابتدایی را طی کرده و به گفته باور اهل فن دوران بلوغش را می گذراند .

پس نگاه های امروز به چنین جشنواره ای با نگاه های آغازین کاملاً متفاوت است . ما اکنون متوقع ایم که به محض شنیدن نام و یا دیدن عنوان چنین رخدادی همه آن را تایید کنند و همچون سایر جشنواره های معتبر جهان برای حضور در آن خود را به آب و آتش بزنند چرا که همه ما می دانیم پذیرفته شدن در جشنواره های معتبر در حقیقت مهر اعتباری است که بر شناسنامه کاری ما نقش می بندد و جشنواره بین المللی عروسکی تهران- مبارک اگر به مدار کنونی اش پیش برود حتماً روزی چنین اعتباری را کسب خواهد کرد . . .

اما چه چیز در این جشنواره لذت‌بخش است ؛ حضور نمایش های ایرانی که عمدتاً دارای تکنیک های جدید هستند : گاو ، نخودی غول می شود ، پهلوان کچل و . . . برخی آثار خارجی را در فستیوال های دیگر دیده‌ام و از میان آنها دیدن «پانتارای ۲» را به عنوان یکی از پدیده های منحصربه‌فرد پیشنهاد می کنم و اطمینان دارم که سایر اجراهای خارجی هم بسیار زیبا و دیدنی هستند .

همچنین پیشنهاد می کنم که در جلسه «ماسیو شوستر» رئیس «یونیما» شرکت کنید چون حرف های گفتنی اش بسیار شنیدنی است .

گام‌های لاک‌پشتی اینترنت پر سرعت

رسانه

مینو مؤمنی: اینترنت پر سرعت دو سال بعد از تولد خود برخلاف پیش بینی ها با توسعه و استقبال خوبی همراه نبود و یکی از محقق نشده‌ترین برنامه هایی است که از دولت قبل تاکنون با رکود مواجه شده است . یازده شرکت خصوصی از دو سال قبل تاکنون می بایست هر یک ۲۰ هزار پورت اینترنت پر سرعت را سالانه در کشور راه‌اندازی کنند که اینک با گذشت دو سال مجموع پورت های واگذار شده توسط تمامی این شرکت ها به زحمت به ۲۰ هزار پورت می رسد . در بررسی این موضوع چند نکته را می توان مورد توجه قرار داد ، نخست اینکه اینترنت پرسرعت در واقع یکی از مهمترین برنامه های خصوصی سازی در زمینه مخابرات و ارتباطات به شمار می رفت و در واقع دولت از همان ابتدا بر عدم دخالت خود در واگذاری اینترنت پرسرعت به مشتریان و رقابت با بخش خصوصی در این زمینه خودداری کرده است . به رغم این و با وجود حمایت هایی که همواره مسئولان رده بالای مخابرات و وزارت ارتباطات از توسعه اینترنت پر سرعت صورت دادند ، این بخش در وضعیت ناامیدکننده‌ای قرار گرفته است . اینترنت پرسرعت که بسیاری آن را در کشور ما با خطوط ADSL می شناسند در واقع ضمن برقراری ارتباط اینترنتی با سرعت بسیار بالا از طریق خط تلفن امکان استفاده از خط تلفن را همزمان با استفاده اینترنتی فراهم می کند و به این ترتیب عملاً بخش مهمی از ترافیک مکالمات مخابراتی که پیش از این به دلیل استفاده از خطوط DIAL UP افزایش یافته بود را کاهش می داد . سرعت قابل توجه در این ارتباط اینترنتی این امکان را نیز فراهم می کرد که کاربران به طور دائم به شبکه متصل بوده و از سرویس های پیشرفته‌تری که احتیاج به سرعت بالای اینترنتی دارند ، برخوردار شوند . اما موضوع مورد مناقشه میان شرکت های ارائه دهنده خدمات اینترنت پرسرعت و مخابرات که به عدم توسعه در این بخش منجر شده و هر یک دیگری را مقصر این موضوع قلمداد می کنند ، موضوع هماهنگی و استفاده از امکانات مخابراتی در ارائه اینترنت پرسرعت است . هر یک از شرکت های PAP یا به اصطلاح ارائه دهنده اینترنت پرسرعت باید تجهیزاتی را در هر مرکز مخابراتی نصب کنند تا مشترکان آن مرکز بتوانند از طریق مرکز تلفن به این شرکت و پهنای باند اینترنتی آن دست یابند . این موضوع هر چند در بخشی از مراکز تلفنی محقق شد اما آنگونه که شرکت های PAP اعتقاد دارند بسیاری از مراکز مخابراتی حاضر به همکاری با این شرکت ها نشدند و اجازه نصب تجهیزات را به آنها ندادند . از سوی دیگر اما مقامات مخابراتی معتقدند این شرکت های PAP هستند که در ارائه سرویس های خود به مشتریان جدیت کافی نشان نداده‌اند . از سوی دیگر موضوع مهم دیگری که در زمینه عدم رشد اینترنت پرسرعت اعلام شد ، بالا بودن هزینه تجهیزات و اشتراک ماهیانه آن از یکسو و فقدان کاربری لازم برای مشتریان بود . شرکت های PAP بالا بودن هزینه را به گردن پهنای باند گرانی انداختند که از مخابرات دریافت می کردند این در حالی بود که برخی از آنها با کاهش قیمت نهایی اینترنت پر سرعت عملاً کیفیت سرویس های خود را نیز کاهش دادند . همه این مناقشات در حالی ادامه یافت که از چندی پیش اعلام شد مخابرات نیز قصد دارد در زمینه واگذاری اینترنت پرسرعت به رقابت با شرکت های خصوصی بپردازد . این موضوع خواب شرکت های PAP را برآشفت چرا که بسیاری از آنها تصور می کردند که همواره این فضای خالی برای حرکت آنان باز و خالی خواهد بود . مقامات مخابراتی گفتند که آنها صرفاً در محدوده‌ای اقدام به ارائه سرویس به برخی مشترکان خاص می کنند که پیشتر شرکت های خصوصی به آن گام نگذاشته‌اند . اما به گفته برخی از مدیران شرکت های PAP مخابرات می خواهد در مناطقی به ارائه اینترنت پرسرعت بپردازد که پیشتر اجازه واگذاری اینترنت پرسرعت به شرکت ها را نداده است . به این ترتیب یعنی مخابرات در واقع برخی مناطق خاص را برای پورت های خود نگاه داشته است . در همین حال مقامات مخابراتی اعلام کردند که اینترنت پرسرعت صرفاً در تعداد محدودی در حد ۲۰ هزار پورت توسط این شرکت دولتی واگذار می شود و این در مقایسه با مجموع پورت هایی که قرار است توسط بخش خصوصی واگذار شود عدد زیادی نیست اما خصوصی ها اعتقاد داشتند که همین ۲۰ هزار پورت برابر است با کل پورت هایی که طی دو سال گذشته شرکت های خصوصی واگذار کرده‌اند و این به معنی تراشیدن یک رقیب جدی همپای چندین شرکت PAP است . با وجود چنین مشکلاتی به نظر می رسد که اینترنت پرسرعت لاک‌پشت وار به راه خود ادامه می دهد و به نظر می رسد مقامات دولتی هم چندان از عدم تحقق آن ناراضی نیستند ، رئیس سازمان تنظیم مقررات چند روز قبل در یک مصاحبه از ارائه وسیع سرویس های DIAL UP در کشور ابراز رضایت کرد و همین نشان داد عملاً عزمی جدی برای توسعه در این بخش وجود ندارد .

درآمد متکدیان بیشتر از کارمندان

خیابان

«در میان متکدیانی که در تهران جمع آوری شده ، افراد شهرستانی دیده می شوند که هفته‌ای یک بار با هواپیما به تهران می آیند تا گدایی کنند و مجدد به شهرشان برمی گردند . » این جملات را محمد نفریه مدیرکل بهزیستی استان تهران در گفت‌وگو با فارس گفته است . نفریه می گوید که پس از اجرای طرح جمع آوری متکدیان در تهران که از ابتدای امسال آغاز شد ، شگرد متکدیان برای گدایی تغییر کرده . گدایی با لباس های شیک ، دستفروشی و . . . از این شگردها هستند . او می گوید که با وجود بازگشت دوباره متکدیان و هجوم به سطح شهر هنوز این طرح با همکاری شهرداری و بهزیستی ادامه دارد . او همچنین گفته که سودآوری و درآمد بالای متکدیان عامل گرایش عده‌ای از افراد متمول به این کار شده است زیرا درآمد حاصل از گدایی از متوسط درآمد یک کارمند فعال در جامعه بسیار بالاتر است . مدیرکل بهزیستی استان تهران می گوید که البته در کنار اجرای طرح برخورد با متکدیان و نیز حمایت ارگان هایی مانند بهزیستی و کمیته امداد به نیازمندان واقعی ، همکاری مردم نیز لازم است و تا زمانی که مردم به متکدیان در سطح شهر کمک می کنند افراد شیاد با سوءاستفاده از عواطف مردم به تکدی می پردازند بنابراین بهترین راه برای کنترل این پدیده این است که مردم به هیچ‌وجه به متکدیان در سطح شهر کمک نکنند و ساماندهی و حمایت از نیازمندان را نیز به سازمان ها و ارگان های متولی واگذار کنند .

فکر بکر

نگاه طراح

جمال رحمتی

بوروکراتی که نوبل گرفت

مهران کرمی: کوفی اتا انان که ما در ایران او را عنان می نویسیم ، سیاستمداری در مقیاس جهانی است که برخلاف شش دبیر قبلی تا پیش از دبیرکل شدن حضوری در دنیای سیاست نداشت و تنها دبیرکلی است که سلسله مراتب پیشرفت را در خود سازمان ملل طی کرده و نه در کشورش .

اما در کشور خود غنا هم چهره‌ای کاملاً شناخته شده بوده ، از خانواده‌ای اشرافی که هر دو پدربزرگ و عمو (دایی) اش رئیس قبیله بوده‌اند . کوفی عنان با خواهر دوقلویش افوا Efua چهارمین فرزند خانواده به حساب می آیند . اما در زبان اکان (زبان چند قبیله در غنا و ساحل عاج در غرب آفریقا) به معنی دوقلو است که به همین خاطر جزیی از اسمش شده . خواهرش در سال ۱۹۹۱ فوت کرد و عمرش کفاف نداد تا دبیرکلی برادر را ببیند . او دو زن گرفته که اولی اهل نیجریه بوده و روابطشان در دهه ۱۹۷۰ به جدایی کشید . نتیجه این ازدواج دو فرزند است ؛ کوجو (Kojo) و اما (Ama) . نام کوجو در سال ۲۰۰۵ به سبب افشای رسوایی مالی سازمان ملل در ماجرای نفت در برابر غذا بر سر زبان ها افتاد . فرزند سوم عنان نینا است از مادری سوئدی به‌نام نانه ماریا عنان که هم حقوقدان است و هم هنرمند . اما احتمالاً نه به هنرمندی همسرش که علاوه بر زبان مادری و چند زبان آفریقایی ، به انگلیسی و فرانسه هم صحبت می کند و افتخار اولین دبیرکل آفریقایی سیاه‌پوست سازمان ملل را به خود و کشورش اختصاص داده است ، تحصیلکرده اقتصاد و مدیریت که چندین مدرک دانشگاهی از دانشگاه های معتبر اروپایی و آمریکایی گرفته است . او از سال ۱۹۶۲ که کارش را در اداره بودجه سازمان بهداشت جهانی (یکی از سازمان های وابسته به سازمان ملل متحد) آغاز کرد تا سال ۱۹۹۶ که معاون اداری و مالی دبیرکل سابق پطروس غالی بود ، در بخش های اداری و برنامه‌ریزی این سازمان فعالیت کرد و یا به ماموریت هایی مرتبط با تخصص خود در کشورهای دیگر رفت از این رو به عنوان چهره‌ای شناخته می شود که عمر کاری اش را در زمینه مسائل جهانی سپری کرده و در عرصه های ملی فاقد تجربه بوده است . زمانی که به دبیرکلی سازمان ملل رسید ، این تجربه کاری سایه تردیدی افکنده بود بر آینده کاری اش که چگونه مردی که تجربه سیاسی ملی یا جهانی نداشته و فقط به ریزه کاری های فنی و اداری یک سازمان آشنا است بتواند سکان هدایت سازمانی را برعهده بگیرد که پس از فروپاشی نظام دوقطبی و نیز به سبب اختلاف با آمریکا به‌عنوان بزرگترین تامین کننده بودجه این سازمان و میزبان آن در دوره دبیرکلی سلفش پطروس غالی به‌وجود آمده بود دوران دشواری را می گذراند . عنان با اختصاص جایزه نوبل به خود و سازمانش در سال ۲۰۰۱ نشان داد که مرد این میدان است . او حتی مشکلات مالی سازمان ملل را از سر گذراند تا توانمندی هایش را به‌عنوان ذخیره‌ای احتمالی برای کسب رهبری کشورش به نمایش بگذارد . کوفی عنان چند ماه تا بازنشستگی از سازمانی که اولین حقوقش را از آن گرفته فاصله ندارد .

حاشیه سیاست

این آمارها آدم را خفه می کند

سعیده اسلامیه: ۱- سال‌ها پیش که دانشجو بودم سر یکی از کلاس ها که درسی درباره تبلیغات بود استاد عکسی به ما نشان داد . عکس سیاه و سفید بود و مقداری سبزیجات از انواع مختلف را نشان می داد . در میان این سبزیجات یک هویج فقط رنگی بود . در میان آن همه سبزی سیاه و سفید یک هویج نارنجی و قشنگ بسیار به چشم می‌آمد و زیبا بود . این عکس یک آگهی بود . استاد از ما پرسید و ما هر کدام نظری دادیم . اما در نهایت معلوم شد که این عکس سیاه و سفید سبزیجات تبلیغ هواپیمایی «لوفت‌هانزا» است و شعار این آگهی این بود که در پرواز با «لوفت‌هانزا» همه‌چیز کیفیت دارد . استاد پس از آن توضیح داد که دیگر زمان تبلیغ مستقیم تمام شده و باید توجه مخاطب را با عوامل غیرمستقیم به موضوع خاص جلب کرد . و بعد ادامه داد که تبلیغ یک نوع صنعت است و . . . آن زمان آن آگهی برایم خیلی جالب بود که یک شرکت هواپیمایی از تصویر یک سبد سبزیجات سیاه و سفید و هویج نارنجی چطور خط هوایی خود را تبلیغ کرده است . از آن زمان سال‌ها گذشته است و صنعت تبلیغات در دنیا آن‌قدر پیشرفت کرده است که دیگر آن تصویر بسیار ابتدایی و ساده به نظر می‌رسد . و اما ایران . در ایران صنعت تبلیغات همچون بقیه صنایع باسرعت لاک‌پشتی به پیش می‌رود و حتی در برخی موارد بازگشت به عقب دارد . این شب‌ها که نرگس همه را ساعت ۱۰/۴۵ دقیقه شب مقابل گیرنده‌های تلویزیون می‌نشاند باید صنعت تبلیغات را دید . لازم نیست تا تیتراژ آخر فیلم نشست و نام شرکت ملی گاز را دید که یکی از اسپانسرهای ساخت این سریال است . تبلیغ برای کاهش مصرف انرژی در این سریال مثل وصله ناجور و ناهماهنگ چنان توی چشم بیننده می‌زند که مخاطب مقابل شعار آن گارد می‌گیرد . به نظر می‌رسد شرکت احسان و کارشناسانی که با بازی سرد و یخ‌شان از آمارها و ارقام‌های مصرف سوخت حرف می‌زنند چندان برای راضی کردن مخاطب برای پایین آوردن مصرف انرژی نمی‌توانند موثر باشند . مخاطبی که لحظه‌به‌لحظه شوکت ، نرگس و نسرین را دنبال می‌کند ناگهان وارد اتاقی می‌شود که چند کارشناس بدون هیچ هماهنگی با موضوع اصلی فیلم دور هم نشسته‌اند و از آمار و ارقام خام و بی‌مصرف حرف می‌زنند . آن‌وقت مسئولان انتظار دارند که مخاطب پیام رسانه را دریافت کرده و به آن عمل کند . از آن بدتر تکه‌ای از این سریال بود که یکی از قهرمانان فرعی داستان درگیرودار اینکه دوستش به جرم قتل در زندان است و خواهر زن او که گم شده و حالا فقط او در جریان بازگشتش قرار دارد و . . . توسط دوست قدیمی دانشگاه دعوت می‌شود که از یک نیروگاه آن هم از نوع هسته‌ای اش دیدن کند و او هم بدون هیچ واکنشی دنبال دوست قدیمی راه می‌افتد که این پیام را به مخاطب برساند که : «انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست» . آن شب که این صحنه از تلویزیون پخش شد یاد آن سال‌های دانشجویی افتادم و کلاس تبلیغات و آرزو کردم کاش حداقل تبلیغات‌مان در حد همان هویج بود .

۲- خبر کوتاه بود اما تکان‌دهنده . خبر اول تمام خبرگزاری‌ها دیروز این بود . شمار کشته‌شدگان برخورد دیروز یک دستگاه اتوبوس مسافربری و کامیون حامل سنگ در اصفهان به ۲۹ نفر رسید . این تصادف ساعت ۴/۴۰ دقیقه صبح در کیلومتر ۴۸ محور چوپانان- انارک استان اصفهان اتفاق افتاد و علت حادثه انحراف به چپ کامیون اعلام شد . در این حادثه ۲۹ نفر کشته و ۸ نفر مجروح و مجروحان به بیمارستان‌های اصفهان و نائین منتقل شدند . این حادثه از آن جهت تکان‌دهنده است که هنوز سه روز از حادثه هواپیمایی مشهد که در آن هم ۲۹ نفر کشته شدند نگذشته است . هنوز همه اجساد آن حادثه شناسایی نشده‌اند که ۲۹ نفر دیگر راهی سردخانه شدند . آمار رسمی کشته‌های جاده ایران سالیانه نزدیک ۲۸ هزار نفر است . این آمار تکان‌دهنده است از آن جهت که هنوز سه هفته از کشته شدن ۱۷ ایرانی در تصادف ترکیه نگذشته است . واقعاً داستان مرگ جاده‌ای چه وقت تمام می‌شود؟ ایران در بیشتر آمارهای جهانی ثبت است . آمار آلوده‌ترین هوای شهر ، آمار تصادفات جاده‌ای ، آمار حوادث غیرمترقبه ، آمار حوادث هوایی ، آمار . . . این آمارها آدم را خفه می‌کند .

گزارشگر

خردکننده سنگ قبرها بازداشت شد

وصال روحانی: مرد دیوانه‌ای که در شهر فلمینگ در ایالت نیویورک آمریکا به خراب کردن و درهم کوبیدن سنگ قبرها مشغول شده بود و هربار چند سنگ را با ضربات چکش می‌شکست و به اطراف پرت می‌کرد ، توسط پلیس محلی بازداشت شده است . او حین یکی از عملیاتش ، یکی از انگشت‌های دستش را که بر اثر شدت ضربه و برخورد کنده شد ، از دست داد و انگشت لای سنگ‌ریزه‌ها یافت شد و پلیس توانست ساعاتی بعد مردی را در فاصله‌ای نه‌چندان دور تا یک آرامگاه که یک انگشت نداشت و دستش را بانداژ کرده بود ، بیابد و به زندان ببرد . بنابر آمار اداره پلیس این مرد با انگیزه‌هایی نامعلوم حداقل ۵۵ سنگ قبر موجود در آرامگاه‌های فلمینگ را خرد کرده است .

چه خبر

«روح مقتول» متهم به قتل را نجات داد

کلماتی که گفته می‌شود یک شبح آنها را دیکته کرده است ، باعث تبرئه یک زن از اتهام قتل در برزیل شد . یک احضارکننده ارواح در این کشور مدعی است کلمه‌ها و پیام فوق را روح فرد مقتول به وی انتقال داده و همین مسئله به‌عنوان یک مدرک و سند در جریان محاکمه زن متهم به قتل در شهر ویامائوی برزیل به کار گرفته شد . این احضارکننده می گوید روح مقتول طی تماسی که با او داشته تصریح کرده که متهم نقشی در کشتن او نداشته و بی گناه بوده است . بر همین اساس هیات ژوری و قاضی دادگاهی که رسیدگی به پرونده ایارا مارکز بارسلوس را برعهده داشت ، در نهایت حکم داد که این زن ۶۳ ساله مسبب و عامل قتل ارسی داسیلوا کاردوسو نبوده است . کاردوسو به سال ۲۰۰۳ در خانه‌اش به ضرب گلوله‌ای کشته شد و آن قتل را به بارسلوس نسبت دادند زیرا او در آن زمان رفاقتی با مقتول داشت و گفته می‌شد که بین شان اختلاف شدیدی افتاده است .

شرق بهتر است یا ثروت ۲

کرگدن نامه

سیدعلی میرفتاح

عرض می کردم خدمتتان که «شب شرق» در شب جمعه ماضی ، شبی بود نگفتنی و نشنیدنی که بی‌تردید هرکس دعوت داشته و نیامده ، از کفش رفته و محال است که بتواند این فیض قضاشده را تا هزار شب جمعه دیگر ادا کند . شب های جمعه خود انتهای فیوضات بی‌کران هستند ، علی‌الخصوص که به واسطه رفقای شرقی پیرایه‌ای بر آن بستند و خلوت آنی به پا کردند و به هزار وصله نگفتنی و نشنیدنی درازش کردند - اما حیف و صد هزار حیف که یادشان رفت و ان یکاد بخوانند و در فراز کنند . . . در را باز گذاشتند دشمنان قسم‌خورده در لباس دوست - آن هم در لباس دوست اصلاح طلب - آمدند که ببینند در مجلس رحمانیان چه می گذرد . . .

آقای کپورچالی : من خودم صحنه‌ای دیدم که باور نمی کردم . نزدیک بود نظرم نسبت به آقای [. . .] برگردد . سر میز شام یک تکه ماهی ناقابل مانده بود . آقای سام فرزانه آمد در گوش من گفت که استاد از این ماهی غفلت نکنید . من هم گفتم به چشم . بشقابم را بردم طرف آن برادری که مسئول توزیع ماهی بود که یک دفعه آقای [. . .] سبقتی از من گرفت که نزدیک بود بشقاب از دست من پرت شود . ماهی که البته نصیب ایشان شد و به بنده قدری کاهو و هویج پخته بیشتر نرسید . اما تعجب کردم که این رفتار ، متناسب جناب [. . .] نبود . آخر شب دیدم ایشان رفت پشت یک درخت در تاریکی و آنجا بود که نقاب از چهره برداشت و صورت واقعی اش را نشان داد . آقا اینها از افراد [. . .] بودند که برای بدنام کردن جریان اصلاح طلبی خودشان را به شکل آقایان درآورده بودند .

آقای مویدی : فرمایش شما کاملاً متین . من خودم دو تا [. . .] دیدم . یکی اش نشسته بود و داشت با دوستان دوره مبارزه بحث می کرد یکی هم بود که داشت باقلاپلو با ژله توت‌فرنگی می‌خورد . به صورتش که خوب دقت کردم ، دیدم طرف ماسک زده و همان جا تعقیبش کردم فهمیدم [. . .] است .

آقای روشن ضمیر : مگر شما ملتفت نشدید؟ سرمیز دوم ، سر بره ایستاده‌ای که آورده بودند ، دعوا شد . آقایان [. . .] و[. . .] و[. . .] و[. . .] هر چهار نفر به شدت قلوه‌گاه دوست داشتند و متاسفانه به چهار نفرشان نمی‌رسید . یک دفعه خون جلوی چشمشان را گرفت و قشقرقی به پا شد که نگو و نپرس . دعوا از سر قلوه‌گاه رسید به زمانی که در حاکمیت اصلاحات ، فرصت‌سوزی کرده بودند . من یک قدری جا خوردم و به فکر فرو رفتم که برای همین از آن بره محترم ایستاده قدری بیشتر به من نرسید . که خوشبختانه چون آن بره این امحا و احشا را به بهترین شکل ممکن دوسه‌باری در فرآیند نوشخار جویده بود ، زحمت من پیرمرد بی‌دندان را کم کرده بود و بنده هم به بلع مشغول شدم ، اما کاشف به عمل آمد که آن چهار بزرگوار ، بزرگواران حقیقی نبودند . آنها را - یعنی اصلی ها را- گرفته بودند و با پیژامه و زیرپیراهن وسط تونل رسالت رها کرده بودند . بعد اینها به طریقه ماموریت غیرممکن ۲ خودشان را شکل آنها درآورده بودند و سوار ماشین آنها شده بودند ، که بیایند هم استراق سمع کنند و هم دوستان را به شکل بدی معرفی کنند .

آقای امیرشاهی : نزدیک بود ما را هم بدنام کنند . برای اینکه من میگو خیلی دوست دارم . دیس میگو جلوی آقای [. . .] بود کنار هم نمی‌رفت . هرچه این پا و آن پا کردم فایده نداشت . دست آخر زدم به دست آقای [. . .] قاشقش افتاد زمین . دولا شد قاشقش را بردارد من هم همه میگوها را خالی کردم توی بشقابم . احتمالاً یک نفر خودش را مثل من گریم کرده بود که این کار را بکند و باعث بدنام شدن قلندران بشود . . .

آقای کپورچالی : هر که بود ، آدم مطلعی بود ، چون از علاقه تو به میگو خبر داشت .

آقای مویدی : شما آقای [. . .] را دیدید؟

آقای کپورچالی : من دیدمش . مثل پلنگ شکارش را به دندان گرفت و رفت یک گوشه تک و تنها نشست و دلش را از عزا درآورد . ظاهراً فرصتش کم بود و نمی‌توانست صبر کند ، چون هم داشت موز می‌خورد ، هم زرشک‌پلو با مرغ ، هم ماهی ، هم ماهیچه ، در فواصلش هم به قلیان با طعم شاتوت پک عمیق می‌زد . البته استثنائاً این یکی خودش بود و صرفاً خودش به دلایل خاصی داشت خودش را بدنام می‌کرد . . . ولی الحق معده بی‌نظیری داشت . من اگر جای او بودم در مسابقات غذاخوری جهان شرکت می‌کردم و یقیناً امتیاز بالایی می‌آوردم .

آقای مویدی : ولی با صرف نظر از این چیزها در کل مهمانی خوب و آبرومندی بود و دشمنان هم باید بدانند که جریان اصلاحات با این چیزها تضعیف نمی‌شود . اگر راست می‌گویند یک شب ما را به مهمانی خودشان دعوت کنند تا ببینیم آنها با میز غذا چه می‌کنند . . .

mirfattah@yahoo.com

نشریه

«چکسه» اولین کتاب تخصصی کاغذ